

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق
۱۵ اگست ۲۰۲۳



محمد محق

افغانستان و رهبران نالایق

افغانستان در صد و پنجاه سال اخیر شاهد ظهور رهبری نبوده است که مورد قبول همه اقوام و جریان‌ها قرار بگیرد و زعامت وی در سطح ملی پذیرفته شود. تنها در دهه دموکراسی نشانه‌هایی خفیف از گشایشی اندک در این باب نمایان شده بود و احتمال می‌رفت که نهاد سلطنت، علی‌رغم ایرادهایی که بر شاه وارد بود، بتواند مانند شماری از کشورهای باثبات، خلأ رهبری را پر کند و عامل حفظ توازن در اوضاع نامتوازن شود. آن امید اولیه با کودتای سردار داوود خان بریاد رفت و دوره‌ای از بی‌ثباتی شروع شد که تا امروز ادامه دارد. ایدئولوژی‌های چپ و راست آمدند و ادعا داشتند که از مرزهای قومیت و تبار می‌گذرند و جامعه را بر شیرازه‌ای دیگر بنا می‌کنند. در عمل، رهبران ایدئولوژی‌زده شکاف دیگری را پدید آوردند و شهروندان را بر اساس افکار و عقایدشان به چند جبهه متخاصم تقسیم، و وارد نزاعی خونین کردند.

در دیگر کشورهای بحران‌زده که نیاز به نوزائی و تولد دوباره داشته‌اند، هرچند نقش عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی نادیده گرفتنی نیست، اما نقش رهبران شایسته و فرهمند در رهائی از بحران و رسیدن به ساحل امنیت و ثبات، بسیار مهم و بلکه کلیدی بوده است. رهبران برخوردار از لیاقت و کفایت در تاریک‌ترین دوره‌های عمر یک ملت که همه امیدها به یأس بدل می‌شود وارد صحنه می‌شوند و معادلات را دگرگون می‌کنند. آنان اتحاد، امید، انگیزه و حرکت می‌آفرینند و مردمی از همپاشیده و به ستوه‌آمده را جان و توان دوباره می‌بخشند. شماری از این دست شخصیت‌ها در یکی دو سده پسین، مانند جورج واشنگتن، آبراهام لینکلن، چارلز دوگل، گاندی، ماندیلا، لی‌کوان‌یو، جمال عبد الناصر و امثال آن‌ها شهرت جهانی و شماری دیگر شهرت ملی دارند.

ویژگی‌های لازم برای رهبران موفق به دو دسته تقسیم می‌شود، یکی ویژگی‌های ذاتی که به شکل فطری در برخی از انسان‌ها وجود دارد، و دوم ویژگی‌های اکتسابی که با تلاش شخصی به دست می‌آید. در جهان امروز، رهبری به دانشی

کارآمد تبدیل شده است که در همه دانشگاه‌های جهان تدریس می‌شود، و به همه ویژگی‌های لازم رهبری از هر دو نوع یاد شده می‌پردازد.

در باره ویژگی‌های رهبران موفق گفته می‌شود که از اراده قوی، شجاعت کافی، دوراندیشی لازم، پشتکار کم‌نظیری برخوردارند. آنان پیوسته در حال یادگیری‌اند، از چابک‌سازان دوری می‌کنند، صدای همه مردم را می‌شنوند، با مثبت‌اندیشی خود در سخت‌ترین لحظات امید می‌آفرینند، با پاکدامنی و خودانضباطی اعتماد خلق می‌کنند، با صداقت خود جلو شک و تردیدها را می‌گیرند، با اولویت‌سناسی مانع به هدر رفتن نیروها می‌شوند، با توانایی برقراری روابط گسترده زمینه بسیج ملی را فراهم می‌کنند، با ایثارگری خود روحیه از خودگذری را گسترش می‌دهند، با دیدگاه کلان ملی بر سردرگمی‌ها چیره می‌شوند، با مسؤلیت‌پذیری خود از انداختن تقصیر به گردن دیگران ابا می‌ورزند، و به جای حرص پول‌اندوزی، اعتماد مردم را بزرگترین سرمایه خود می‌شمارند.

افغانستان از این نظر یکی از کم‌طالع‌ترین کشورهای دنیاست. هیچ یک از رهبرانی که در این مدت ظهور کرده‌اند همه صفات لازم برای رهبری را نداشته‌اند و در نتیجه به جای اتحاد سبب تفرقه و به جای پیروزی ارمغان‌آور شکست بوده‌اند. این کشور را باید سرزمین شکست‌های پیهم، فروپاشی‌های مکرر، ویرانی‌های مستمر، جنگ‌های بی‌پایان، کینه‌های عمیق، نفرت‌های رو به گسترش و بحران‌های ابدی شمرد. هرچند نمی‌توان به انتظار منجی آخرالزمان نشست، اما باید از دنباله‌روی رهبران نالایق رهائی یافت. باید آهنگ عبور از رهبران شکست‌خورده را نواخت و با بیرق‌داران هزیمت‌های مکرر برای همیشه بدرود گفت.